

# استوره اناهیتا در ایران و ارمنستان باستان

شهره جوادی  
استادیار گروه مطالعات عالی پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.  
shjavadi@ut.ac.ir

علی نیکویی  
پژوهشگر دکتری پژوهش هنر، پژوهشکده نظر  
Ali.nikoei1981@gmail.com

## چکیده

ایران و ارمنستان دارای روابط تاریخی، سیاسی و فرهنگی بسیار گسترده در طی هزاره‌های متمادی تاریخی بوده‌اند، ارمنستان از دوران حاکمیت مادها تحت نفوذ شاهنشاهی ایران قرار گرفت؛ این آغاز اثرگذاری هم در عرصه سیاست و هم در عرصه فرهنگ و باورهای دینی بود. اثرگذاری ایرانیان بر ارامنه از لحاظ دینی تا زمان مسیحی شدن ارمنستان در میانه قرن سوم به دست "گریگوری روشنگر" برقرار بود، با توجه به هم‌نژادی ارامنه و ایرانیان و نزدیکی جغرافیایی دو سرزمین به یکدیگر چنین به نظر می‌آید که این دو قوم در زمینه‌های گوناگون از جمله ادیان و باورها تأثیرات متقابل بر هم داشته‌اند، با این نگاه در پژوهش حاضر به بررسی جایگاه ایزد بانو اناهیتا در میان ارامنه و ایرانیان در دوران باستان پرداخته شده و ریشه‌های اثرگذاری الهه ایرانی بر ایزد ارمنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## واژگان کلیدی

اناهیتا، ایران، ارمنستان، اردشیر دوم هخامنشی.

مقدمه

حوادثی که در استوره نقل می‌شود، همچون داستان واقعی تلقی می‌شود؛ زیرا به واقعیت‌ها برگشت داده می‌شود و همیشه منطقی را دنبال می‌کند. استوره گاهی به ظاهر حوادث تاریخی را روایت می‌کند، اما آنچه در این روایت‌ها مهم است صحت تاریخی آن‌ها نیست بلکه مفهومی است که شرح این داستان برای معتقدان آنها در بردارد، و همچنین از این جهت که دیدگاه‌های آدمی را نسبت به خویشتن و جهان و آفریدگار بیان می‌کند دارای اهمیت است؛ استوره واکنشی از ناتوانی انسان در مقابله با درماندگی‌ها و ضعف او در برآوردن آرزوها و ترس او از حوادث غیر مترقبه، قدرت تخیل نهایت فعالیت خود را در این زمینه انجام می‌دهد. خدایان به این ترتیب خلق می‌شوند و سپس به شهریاران و پهلوانان تبدیل می‌شوند و گاهی به عکس از شخصیتی تاریخی یا قهرمانی معمولی، موجودی استوره‌ای شکل می‌گیرد، به این صورت که همه ویژگی‌های یک موجود خارق‌العاده را به او نسبت می‌دهند و به تدریج با این ویژگی‌ها قهرمان از صورت موجود بشری عادی خارج می‌شود (آموزگار، ۱۳۷۴: ۴-۵). آناهیتا ایزد بانویی است که در توصیف او صفاتی برجسته و خاص بر وی نهاده شده؛ در یشت‌ها او را چنین تصویر می‌کند که وی نیرومند، سپید، زیبا و خوش اندام است (یشت ۵، بند ۲) با کفش‌های زرین و کمربندی بر میان و جبه‌ای پُرپها، پرچین و زرین در بر (یشت ۵، بندهای ۷، ۶۴، ۱۲۶) او برسم<sup>۲</sup> در دست، گوشواره زرین بر گوش و تاجی با یکصد گوهر بر سر دارد (یشت ۵، بندهای ۱۲۷، ۱۲۸) او در میان ستارگان به سر می‌برد (یشت ۵، بند ۸۸) و گردونه او را چهار اسب نر می‌برند (یشت ۵، بندهای ۱۱، ۱۳) که باد، باران، ابر و تگرگند (یشت ۵، بند ۱۲۰). برای پیروزی بر دیوان و دشمنان باید از او یاری خواست (یشت ۵، بندهای ۲۳، ۲۶، ۴۶، ۵۰) او صورتی زیبا و بازوان سپید به ستبری شانه اسب و سینه‌ای برآمده دارد و در حالی که کمربندی تنگ به کمر بسته، بر گردونه خویش سوار است و چهار اسب هم‌رنگ و هم‌قد او را حرکت می‌دهند (یشت ۵، بند ۱۱-۱۳) آناهیتا گوهرهای گران بر خود دارد و تاجی که بر آن صد گوهر تابناک آویخته است بر سر دارد. او کفش‌های درخشان بر پای دارد و پوستی که می‌درخشد به بر کرده است (بهار، ۱۳۸۱: ۸۱). ایزدبانوی اردوی سوارا<sup>۳</sup> آناهیتا یعنی آب‌های

نیرومند بی‌آلایش، سرچشمه همه آب‌های روی زمین است. او منبع باروری بوده و نطفه همه نرها را پاک می‌کند و زهدان مادگان را تطهیر می‌کند و شیر را در پستان مادران پاک می‌سازد (یشت ۵، بند ۲) او دانه‌ها و سرزمین‌ها را زیاد می‌کند (بهار، ۱۳۸۱: ۸۱) در فارسی میانه آناهیت به عنوان بانو<sup>۴</sup> شناخته می‌شود که این عنوان در کتیبه‌های ساسانی دیده شده‌است، عنوان بانو در فارسی نو در میان زردشتیان و مسلمانان استفاده شده‌است؛ برای آناهیت به عنوان یک ایزد مقدس قربانی‌هایی تقدیم می‌شده، همچنان که در اوستا در یشت ۵ بندهای ۱۵ و ۲۱ توصیف شده‌است. برای مثال در معبد بانوی پارس در شریف‌آباد یزد، گاو قربانی می‌شده و این احتمالاً به اردوی سورا آناهیتا، که الهه آب در جامعه زردشتیان شریف‌آباد بود تقدیم می‌شده‌است (Rus-sell, 1987: 215) یا مردم مسلمان در نیاسر کاشان [که باورهای دینی پیش از اسلام در آیین‌های اسلامی ایشان دگردیسی کرده است] هر ساله در روز عید قربان، کنار چشمه‌ای که در جوارِ درخت چنار مقابل چارتاقی قرار دارد و نزد مردم بسیار محترم و مقدس است، گاو را قربانی می‌کنند<sup>۵</sup> (جوادی، ۱۳۸۶: ۱۶). به احتمال زیاد بسیاری از مکان‌های مقدس که در کوه‌ها و در نزدیکی چشمه‌سارها قرار دارد و «دختر» یا «بی بی» خوانده می‌شود روزگاری وقف آناهید بوده‌است. زردشتیان یزد، امروزه دختر را «آب ناهید» می‌خوانند (Boyce, 1985: 1006). ایزدبانو آناهیتا با تمام اقشار جامعه پیوند داشت شاهان و زورمندان برای آناهیتا معابد زیبا و باشکوه می‌ساختند، همچون معبد آناهیتا در بیشاپور که نیایشگاه سلطنتی بوده و به دستور شاه ساسانی ساخته شده‌است؛ مردم عادی نیز برای خود اماکن یا بناهای مقدسی داشتند که آناهیتا را می‌ستودند و به او متوسل می‌شدند؛ اتاقک‌هایی با سقف و ستون چوبی و گاه با مصالح دیگر که در کنار مزارع بوده و مردم برای طلب باران و فراوانی محصول در آنجا به نذر و نیاز می‌پرداختند، نیایشگاه‌های آناهیتا بوده که در منطقه مازندران به سقاتالار مشهور است و بدین‌گونه اقشار مختلف الهه باروری را می‌ستودند<sup>۶</sup> (جوادی، ۱۳۸۶: ۱۳).

### فرضیه

در دوران باستان تفکرات دینی ایرانیان اثرات بسیاری بر باورهای دینی ارامنه گذاشت، از جمله ایزد بانو «آناهیتا» ایرانی که بر «نانه»<sup>۷</sup> ارمنی تأثیر گذاشت و آناهیتای ایرانی تبدیل به «آناهیت» شد که خصوصیات ایزد ایرانی را به خود گرفت.

### آناهیتا در ایران باستان

آناهیتا، ایزد زردشتی اساتیر ایران باستان است. آناهیتا an-ahi-ta به معنی نالوده، پاکیزه (قلی زاده، ۱۳۹۲: ۹۳) لقب آن در اوستا aredivu sura است؛ اردوی<sup>۸</sup> نام رودی افسانه‌ای و سورا<sup>۹</sup> به معنی نیرومند است که صفت اردوی است و در بیشتر موارد با صفتی

باشد (گیرشمن، ۱۳۴۹: ۲۳۲). مری بوس آغاز پرستش آناهیتا در دورهاردشیر دوم هخامنشی را نوآوری پارسی‌ها می‌داند. اردشیر دوم در کتیبه‌ای که در شوش دارد بیان می‌کند که ساخت قصرش به لطف اهورامزدا، آنائیتیس<sup>۱۲</sup> و میترا است و از آن‌ها می‌خواهد که او را از شر دشمن محافظت کند. اردشیر دوم رسماً آناهیتا را در کتیبه‌هایش می‌خواند. بروسوس<sup>۱۴</sup> مورخ کلدی در این باره می‌نویسد: اردشیر دوم نخستین کسی بود که تندیس‌هایی از آفرودیت - آنائیتیس را در بابل، شوش، اکباتان، پرسپولیس، بلخ، دمشق و سارد برپا کرد و ستایش او را در آن ممالک برپا کرد؛ پس از او اردشیر سوم هم در کتیبه‌هایش از آناهیتا به همراه اهورامزدا و میترا نام می‌برد (ویدن گرن، ۱۳۷۷: ۱۷۶). در شمال تخت جمشید یک مجموعه بزرگ ساختمانی موسوم به «پرستشگاه فرنداره» متعلق به روزگار اردشیر دوم وجود داشته‌است و گمان می‌رود که این مجموعه یکی از بناهای شاه برای آناهیتا بوده‌است (بویس، ۱۳۸۶: ۹۰).

اشکانیان نیز همانند هخامنشیان به پرستش اورمزد، مهر و آناهیتا به عنوان اصلی‌ترین ایزدانشان پرداختند. نام آب-ناهید نخستین بار در دوران پارتیان به چشم می‌خورد، در دوره پارتی آناهید بسیار محبوب بود، از زمان اردشیر دوم اعتقاد به ناهید در میان ایزدان دیگر اهمیت فزونی یافته‌بود و ایزد ناهید در زمان پارتیان هم در درجه اول قرار داشت (گیرشمن، ۱۳۴۹: ۳۲۱). در میان اشکانیان عناصری مانند آب، آتش بسیار مورد ستایش بودند، آنان آب و رودخانه‌ها را ستایش می‌کردند و از مسافرت‌های دریایی به شدت پرهیز می‌کردند زیرا بیم آن داشتند که آب را آلوده کرده و ایزد آناهیتا را آزرده خاطر نمایند (خدادادیان، ۱۳۷۹: ۲۵۶). پرستش آناهیتا در دوره ساسانی نیز همچون دوره هخامنشی و پارتی رونق بسیار داشت، اما در زمان ساسانی برای ایزد بانو تندیس‌سازی ساخته نمی‌شد و به جای آن در بناهای مقدس آتش مقدس را می‌نشاندند بدین سان کیش شمایل پرستی که اردشیر اول ساسانی وارد آیین زردشتی کرده بود سرانجام به پایان رسید (بویس، ۱۳۸۶: ۱۳۶-۱۳۷). اردشیر بابکان بینان‌گذار سلسله ساسانیان نگرهبان و پرستار معبد آناهیتا در شهر استخر بود که یکی از جایگاه‌های ورجاوند<sup>۱۵</sup> در آن زمان به شمار می‌آمد (آورزمانی، ۱۳۹۳: ۳۷) یا در نقش رستم، نرسه نقش برجسته‌ای دارد که در آنجا خود را سرسپرده آناهیتا اعلام می‌کند، او در این نقش برجسته در حال دریافت حلقه سلطنت از این ایزدبانو که آراسته به تاج و ردایی کامل است تصویر شده‌است (جوادی و آورزمانی، ۴۴: ۱۳۸۸). در تاق بستان کرمانشاه، خسروپرویز آخرین نقش برجسته ساسانی از صحنه اعطای منصب را ساخته، وی در حال دریافت حلقه سلطنت از اهورامزدا است درحالی‌که ایزد بانوی آب‌های روان و باروری و برکت که پشتیبان این سلسله

دیگر همراه است و آن آناهیتا<sup>۱۰</sup> است به معنی پاکیزه و در پهلوی آناهید<sup>۱۱</sup> (عقیقی، ۱۳۸۳: ۶۳۴) و در پارسی ناهید می‌شود. اردوی به معنی پربرکت و حاصلخیز است (بهار، ۱۳۸۱: ۸۰). نام سه‌تایی کامل آناهیتا، اردوی سورا آناهیتا به معنی مرطوب نیرومند بی‌گناه به روشنی به سه کارکرد اشاره دارد (دوشن گیمن، ۱۳۸۱: ۲۳۶). آناهیتا ایزد باروری بوده و ظاهراً با ایزد بانوی بابلی یا عیلامی نانه و بعدها با آرتیمیس<sup>۱۲</sup> یونان، همانند است (دوشن گیمن، ۱۳۸۱: ۲۳۶) اردویسور آناهید الهه و مظهر آب‌هاست که پیوسته نزد ایرانیان مقدس بوده‌است. یشت پنجم و یسنه شصت و پنجم درباره او و آب‌هاست. وجود او با تکیه بر همین یسنه و یشت در امر زادن مردان مؤثر است. هرمزد او را می‌ستاید، هوشنگ، جم، اژی‌دهاک، فریدون، گرشاسب، افراسیاب، کاووس و دیگران برای او قربانی می‌کنند و از او برآوردن نیازهای خود را می‌خواهند (یشت پنجم، بند ۱۷ تا ۴۷). در کتیبه‌های داریوش و خشایارشا نامی از این ایزد بانو دیده نمی‌شود؛ این دو شاهنشاه اهورامزدا را برترین سرور، بزرگترین خدایان می‌دانستند؛ اما وجود دیگر خدایان را انکار نمی‌کردند. در دوره داریوش وجود دیگر خدایان را افزون بر سرور دانا به رسمیت می‌شناسند. داریوش آن‌ها را «دیگر خدایانی که هستند» خطاب می‌کند. خشایارشا، اهورامزدا را خالق زمین و آسمان و انسان و شادی می‌دانست... «خدای بزرگ است اهورامزدا، بزرگترین خدایان است؛ که این زمین را آفرید، که برای مردم شادی را آفرید، که خشایارشا را شاه کرد، یکی از میان شاهان بسیار، یگانه فرمانروا از میان فرمانروایان بی‌شمار. من خشایارشا، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، دارای ملل بسیار؛ شاه این سرزمین بزرگ دور دست پهناور، پسر داریوش شاه هخامنشی» (شارپ، ۱۳۸۴: ۸۵). اما از زمان اردشیر دوم (۳۵۹-۴۰۴ پ.م) بود که نام ایزد بانوی آناهیتا در کتیبه‌ها به همراه اهورامزدا و میترا آورده شد... «اردشیر بزرگ، شاه شاهان، شاه مردمان، شاه روی این زمین، پسر داریوش شاه، داریوش پسر اردشیر شاه، اردشیر پسر خشایارشا شاه، خشایارشا شاه پسر داریوش شاه، داریوش پسر وشتاسپ هخامنشی. او اعلام می‌دارد که به خواست اهورامزدا و ناهید و میترا، من این کاخ آپادانا را ساختم. اهورامزدا و ناهید و میترا مرا از تمام بدی‌ها بیابند؛ آنچه که من ساختم از میان نبرند و به آن آسیبی نرسد» (شارپ، ۱۳۸۴: ۱۳۹). گویند هنگامی که اردشیر دوم میترا و آناهیتا را به اهورامزدا مرتبط ساخت، در واقع گرایش توده‌های مردم را دنبال کرد؛ گیرشمن در این باره می‌نویسد: دانشمندان بر آنند که دخول آیین آناهیتا به وسیله اردشیر دوم صورت گرفته‌است و پرستش پیکره‌های او در معابد شوش، تخت جمشید، هگمتانه، بابل، دمشق، ساروس و بلخ می‌بایست به اتحاد همه اقوام تحت یک آیین مشترک که آثار آن تا مدتی دراز در میان ملل آسیای صغیر زنده می‌ماند، یاری کرده

به مانند خاستگاه سامی خود باشد، یعنی «نانه» و همچنین دیگر خدایان سامی تبار چون «ایشتر»<sup>۱۸</sup> زنی اغواگر باشد نه نماد پاکدامنی و عفاف. اما با افزایش نفوذ اهمیت آناهیتا در ایران هخامنشی آوازه و تأثیرات آن به خارج از مرزهای ایران نیز رسید، ناهیدگرایی که در دوران اردشیر دوم هخامنشی به شدت در حال رشد بود و حمایت شاهنشاه ایران را نیز به همراه داشت، باعث شد در مناطق دیگر شاهنشاهی ایران ترویج یابد؛ یکی از این مناطق ارمنستان بود که پرستش آناهیتا در آن نفوذ و اهمیت خاصی پیدا کرد، از این رو شاهد حضور ایزد بانویی با نام «آناهیت» در اساتیر ارمنی شده که در تعریف آن رونق بخش میوه‌ها و فزونی‌دهنده زایمان و سمبل و نشان مادر و نماد بهترین ارزش‌ها و ارجمندترین الهه‌ها در میان ایزدان ارمنی است (باغدارسیان، ۱۳۸۰: ۵۳).

با نفوذ هرچه بیشتر ایران در ارمنستان باستان شاهد ارجمندتر شدن مقام این ایزدبانو می‌شویم، به گونه‌ای که «آناهیت» ارمنی به یکی از دختران «آرمزد» مبدل می‌شود و خواهر دو ایزد بانوی کهن تر یعنی «نانه» و «استتیک» می‌شود و به مرور نقش دو ایزد دیگر کمرنگ‌تر و در شخصیت «آناهیت» هضم شده و صفات سامی آن‌ها جایگزین صفات ایرانی برای «آناهیت» می‌شود.

«آناهیت» نزد ارمنیان اهمیت بالایی داشته‌است؛ به شهادت استرابون، پلینی و پلوتارخ، پیش از آگاتانگوس و خورناتسی، محبوب‌ترین ایزدان، آناهیت بوده‌است. بنابر گزارش «آگاتانگوس»<sup>۱۹</sup> «امورخ ارمنی که منشی تیرداد سوم پادشاه ارمنستان بود و زندگی گریگور روشنگر مبلغ مسیحی در ارمنستان را به نگارش در آورده بود» آناهیت خیرخواه نژاد بشر، ملکه بزرگ، مادر همه خرده‌ها و فره ارمنستان است. (Agathangelos, 1976: 51) مجسمه‌های طلایی آناهیت در پایتخت در آرتاگزان<sup>۲۰</sup> و آرتاشات<sup>۲۱</sup> و در مرز تارون<sup>۲۲</sup> وجود داشته‌است. با استناد به این مدارک می‌توان گفت آناهیت ایزد بانوی قدیمی در ارمنستان است. او به عنوان محافظ و مشاهده‌کننده زندگی طلب شده‌است (Ibid: 106). او همچنین مادر طلایی نامیده می‌شده‌است، مجسمه‌های طلایی به او هدیه شده‌است، دهنده زندگی است، در میان بچه‌هایش زندگی کرده، به عنوان مادر بزرگ و ایزد کشت و آب‌های زندگی بخش رودخانه‌ها و چشمه‌ها است (Russell, 1987: 253).

ارمنیان معابدی در اکیلیسن<sup>۲۳</sup> داشتند، در تیلادامیراد<sup>۲۴</sup> در اطراف فرات یک معبد آناهیتا نیز وجود داشته‌است، بنا به نظر آگاتانگوس، آناهیت معابدی هم در یشتات<sup>۲۵</sup> (در شمال غربی وان) داشته‌است (Agathangelos, 1976: 5). گفته شده تندبسی از آناهیت در مرز آنزواتزس<sup>۲۶</sup> نزدیک سنگ بلک سمیت<sup>۲۷</sup> وجود داشته‌است (Alishan: 1895: 50). جشن آناهیت در روز پانزدهم نوامبر برپا می‌شده و روز نوزدهم هر ماه به او نسبت داده شده‌است (Alishan: 1895: 143&269). بنا به عقیده برخی پرستش آناهیت

است آب را به صورتی نمادین از کوزه‌ای می‌ریزد. در دوره ساسانی آتش‌های مقدس را به نام ایزدبانوی مقدس آناهید برپا می‌کردند به عنوان مثال آنان در استخر آتشی نشانده و آن را به آناهید تقدیم کرده بودند. در زمان بهرام دوم مؤبد بزرگ «کرتیر» خود را صاحب اختیار آتشکده آناهید اردشیر و آناهید بانوگ معرفی می‌کند (یزدانی، ۱۳۹۳: ۱۱۵). در زمان بهرام دوم دو آتشکده بزرگ در استخر پارس قرار دارد به نام‌های آتشکده آناهید اردشیر و آتشکده آناهیتا بانو که سرپرستی این دو آتشکده در اختیار مؤبد بزرگ آن دوران یعنی مؤبد کردیر قرار دارد (Back, 1978: 411). شاهپور اول آتشکده‌ای در بیشاپور ساخت که به سبب ویژگی منحصر به فردش آن را آتشکده‌ای از آن آناهید می‌دانند. نرسی در کتیبه خود در پایکولی چنین می‌نویسد: «... آناهید که بانو خوانده می‌شود» (یزدانی، ۱۳۹۳: ۶۷).

### آناهیتا در ارمنستان باستان

بنا به گفته ژاک دومورگان نشانه‌هایی در دست است که بیندیشیم ارمنی‌ها نیز مانند بسیاری از هم‌نژادان هند و اروپایی خود دینداری را با پرستش طبیعت آغاز کرده‌باشند، پس این مذهب ابتدایی نوعی گرایش به یکتاپرستی ملی در آنان ایجاد کرد که بسیاری از خدایان زن و مرد مقتبس از اساتیر یونانی و رومی و شماری از خدایان اساتیری ایرانی در آن داخل شدند، باورهای قدیم ارمنیان یعنی دین، پرستش ایزدان، مجموعه‌ای بسیار نامفهوم و متنوع است. ایزدان و ایزد بانوان ایرانیان، آشوریان و یونانیان که از نظر روابط فرهنگی - تاریخی و تمدنی آن دوران بسیار مهم بودند و تأثیر فراوان در زندگی روانی - اجتماعی ارمنیان داشتند تأثیر بسیاری در باورهای ارمنیان داشته و همچنین خدایان ارمنی با دگردیسی در ایزدان ایشان راه تکامل خود را پیمودند (ایوازیان، ۱۳۹۱: ۷۷ تا ۷۹). پیش از آغاز تعاملات فرهنگی ایران و ارمنستان در دوران پیش از هخامنشیان، ایزد بانوی مقدس آرامنه «نانه» نام داشت که سومین ایزدبانو از میان ایزدان ارمنی بود، او دختر «آرمزد» بود که والاترین مقام در میان استوره‌های ارمنی را داشت، نانه خواهر «استتیک» ایزدبانوی ارمنی عشق، آب، غم بود، (باغدارسیان، ۱۳۸۰: ۵۳) «نانه» را «نانی» و «نان» نیز می‌خواندند به معنی مادر و مادر بزرگ می‌بود، او همچنین الهه حکمت و فضیلت، روح زاینده‌گی و عروس جاودانگی لقب داشت<sup>۲۸</sup>، به اعتقاد محققین «نانه» از الهه‌گان سامی سومر و آکد بود (نوری‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۵۹) که در آنجا به نام «نانایی»<sup>۲۹</sup> شناخته می‌شد، او در اعصار پیش از تاریخ به ماورالنهر رفته و در آن مناطق ستایش شده؛ در معبد «نانای» رسم کهن روسپی‌گری مقدس وجود داشته‌است (بهار، ۱۳۷۶: ۱۰۳). تا دورانی که ارمنستان تحت تأثیر فرهنگی ایرانیان قرار نگرفته بود ایزد بانوی «نانه» می‌بایست

مردم کبوترپرانی می‌کنند؛ البته باید اضافه کرد الهه آناهید نیز در جشن‌های «وارداوار» بی‌نصیب نبود و حتی می‌توان گفت که آناهیتا در میتولوژی<sup>۳۲</sup> ارمنی دارای مقام والاتری است؛ از سوی دیگر تشابه فراوانی که میان میتولوژی ایرانی و ارمنی وجود دارد، بررسی مسئله از دیدگاه اساتیر ایرانی نیز ضروری می‌سازد؛ مثلاً ایرانیان نیز دارای جشن مشابه‌ای هستند که بدان «آبریزکان» می‌گویند، در گذشته‌های دور تاریخی، مراسم آب‌پاشی یا آبریزکان در نخستین روزهای سال نوی ارمنی، نواسار<sup>۳۳</sup>، انجام می‌شد، اما پس از ظهور مسیحیت و پذیراشدن جشن «وارداوار» از جانب کلیسا جشن مذکور در ماه «اوت»<sup>۳۴</sup> مصادف با مرداد ماه انجام می‌پذیرد. عالیشان می‌نویسد: «می‌دانیم هم نزد ارمنیان و هم نزد ایرانیان به هنگام فرارسیدن سال نو مراسمی برپا می‌شود که طی آن مردم به یکدیگر آب می‌پاشند». به راستی همانندی و تشابه فراوان میان اعیاد، جشن‌ها و مراسم باستانی ایرانیان و ارمنیان به چشم می‌خورد که ناشی از نزدیکی نژادی و ملی و جغرافیایی دو ملت است و طبعاً جشن آب‌پاشی نیز از آن قاعده کلی مستثنی نیست (مانوکیان، ۱۳۶۳: ۱۱۶-۱۱۱).

در حفاری‌هایی که توسط اسمیرنوف<sup>۳۵</sup> انجام گرفته، بر فراز کوه‌های گقام<sup>۳۶</sup> اشیایی مربوط به پرستش آب بدست آمده‌است؛ در افسانه زیر که از روایات بومی مردم ارمنی نگاشته شده، ارتباط جالبی بین ماهی، آب، آتش و ایزد بانو آستیک وجود دارد که تا اواخر قرن نوزدهم باقی مانده است. «در نزدیکی روستای لژک<sup>۳۷</sup> در وان، چاه آبی شبیه به تنور وجود دارد که تنور مقدس نامیده می‌شود و مکانی است متبرک. تنها یک ماهی در این آب وجود دارد که خود را به هر کسی نشان دهد، تمام آرزوهای آن شخص برآورده می‌شود. ماهی محتملاً چهره زنی را دارد که حلقه نقره‌ای بر بینی اوست، روایت شده که او زنی بسیار زیبا و همسر پادشاه بوده‌است. روزی در کنار تنور نان می‌پخت، گدائی از کنارش عبور کرد و از او نان خواست، زن به او نان داد. از او غذا خواست، غذا هم به او داد، بالاخره مرد فقیر جرأت کرده از او درخواست بوسه کرد، زن عصبانی شد اما بعد چون بسیار مهربان بود، فکر کرد که او مردی فقیری است باید در برابر او رؤف بود چه اشکالی دارد، اگر خواست او را انجام دهد، در همین لحظه ناگهان پادشاه وارد شد و زن از وحشت و ترس، درون تنور افتاد و پادشاه نیز به طرف تنور کشیده شد و درون تنور افتاد، پادشاه سوخت اما آتش به امر خداوند به آب و زن به ماهی تبدیل شد و تا ابد با همین هیبت در آنجا باقی ماند» (Ishkol-Kerovpina, 1991: 158).

### ایزد بانوان باروری

توینبی<sup>۳۸</sup> می‌گوید: مادر کهن‌ترین سوزه هنری انسان است، (توینبی، ۱۳۶۲: ۳۵۰) برخی از انسان‌شناسان برآنند که در دوره‌های

در ارمنستان از دین زردشتی آمده‌است. اگرچه ایرانی‌ها بت نداشتند و بت‌پرست نبودند ولی به قول هردوت، اردشیر با حافظه (۳۱۶-۴۰۴ پ.م) امر کرد که ایرانی‌ها برای آناهیت مجسمه‌ای بسازند و آن را پرستش کنند؛ زیرا یکی از تاریخ نویسان قدیم یونان (برسوس) روایت می‌کند که این شاه مجسمه‌هایی از آناهیتا را در شهرهای دوردست بابل، دمشق، همدان، سارد و شوش برپا کرده بود (هینلز، ۱۳۷۵: ۱۳۷). آناهیتا در مقابل آرتیمیسی اساتیر یونانی است که الهه عفاف و پاکدامنی بود، این ادعا از کلمات تیرداد پادشاه ارمنستان به خوبی ثابت می‌شود؛ بانوی بزرگ آناهیت که فر ملت ماست، او مادر همه‌گونه خرد و هوش است و دختر آرامازد بزرگ و دلیر (Abrahamyan, 1970: 100-109).

در استوره حماسی «داوید ساسونی»<sup>۳۸</sup> ارمنی تعدادی روایاتی از چگونگی باردار شدن مادر مهر در ارتباط با آب وجود دارد به شرح زیر: «پادشاه ارمنستان دختری داشت، پادشاهی که پیرو باروهای دیگری بود، او را برای پسرش خواستگاری می‌کند و تهدید می‌کند که اگر این خواسته برآورده نشود، آن‌ها را نفرین خواهد کرد. دخترک غمگین و ناراحت شده تصمیم به خودکشی می‌گیرد، سپس بالای کوهی می‌رود و آنجا شکافی می‌بیند داخل شده و مشغول دعا می‌شود که ناگهان متوجه باریکه آبی که از کوه سرازیر می‌شود؛ او دستش را سه بار از آب پر می‌کند و می‌خورد، اما از آبی که خورده بود باردار می‌شود و پسری به دنیا می‌آورد که در عرض یک ماه به اندازه یک بچه سه ساله رشد می‌کند و در سن یک سالگی چون نوجوان دوازده ساله به نظر می‌رسد؛ پسر از قبول هر اسمی اکراه داشته، روزی خواب کلیسای کوچکی را می‌بیند که از آنجا صدایی به گوشش رسید: اسم تو مهر است... (آیورزیان و تریزیان، ۱۳۹۱: ۴۲) به عقیده عالیشان<sup>۳۹</sup> ایزد آب ارمنیان با روایات طوفان نوح و جشن «وارداوار»<sup>۴۰</sup> در ارتباط است؛ اما «وارداوار» از قدیمی‌ترین جشن‌های ارمنیان محسوب می‌شود که در میان ایرانیان به عید آب‌پاشی ارمنیان شهرت دارد. ارمنیان در این روز به یکدیگر آب می‌پاشیدند، کبوترپرانی می‌کردند و مسابقات ورزشی ترتیب می‌دادند. بیشتر محققانی که در زمینه اعیاد ارمنیان پیش از مسیحیت تحقیق می‌کنند، این جشن را مربوط به الهه آناهید می‌دانند (هوویان، ۱۳۸۰: ۱۸۸). در ارمنستان باستان جشن «وارداوار» شکوه و جلال بی‌نظیری داشت، این جشن در بزرگداشت الهه «آستیک»<sup>۴۱</sup> همگان در این جشن بزرگ شرکت می‌جستند و با گل‌های سرخ مسیر الهه‌پرا می‌آراستند. به موجب همین روایت گل سرخ سابقاً گل سفید بوده، لیک هنگامی که الهه پابرنه به میان مردم می‌آید، خارها پاهای وی را زخمی و خون وی گل‌ها را رنگین می‌کند، از آن پس گل‌های رنگین بوجود می‌آیند، چون کبوتران سپید پر، همگی به الهه زیبایی و عشق تعلق داشتند، از این رو در این جشن‌های «وارداوار»

مراقب کودکان نوزاد بود (همیلتون، ۱۳۸۳: ۳۶) چندین ایزد بانوی مختلف از خاستگاه شرقی باهم آمیختند تا اسطوره ارتمیس به وجود آید؛ آناهیتای پارسی، بندیس تراکیه، دوکرتونای کرتی و... از او برای باروری رمه‌ها و زنان استمداد می‌شد، اما خود ارتمیس مغرور به بکارت ابدی خود بود و شکار و جنگ را بر ازدواج ترجیح می‌داد (فضائلی، ۱۳۸۳: ۴۰).

سرس<sup>۴۱</sup>، در اساتیر رومی الهه کشاورزی و رستنی‌ها و همینطور الهه زراعت غلات و نباتات بود و از سوی الهه باروری و روابط مادرانه به شمار می‌آمد. آیین‌های پرستش او، دارای اشکال مختلفی بود. او خدای مرکزی در تریاد یا سه‌گانه رومی که اصطلاحاً تریاد پلبیان یا سه‌گانه آونتین خوانده می‌شد، به شمار می‌آمد و بعلاوه همراه با دخترش پروسرپینا<sup>۴۲</sup>، جفتی را تشکیل می‌دادند که رومیان آن را به عنوان «آیین‌های یونانی مربوط به الهه زراعت و رستنی» توصیف می‌کردند. او در ازدواج‌های رومیان و همینطور در مراسم مربوط به تشیع جنازه آنان نقش اساسی را ایفا می‌کرد. هفت روز از روزهای ماه آوریل، به وی تعلق داشت که در آن جشنواره معروف به سرآلیا برگزار می‌شد. او در ماه مه، و در جریان جشن یا جشنواره آمباروالیا، که در زمان برداشت محصولات کشاورزی برگزار می‌شد نیز، گرمای داشته می‌شد. اعمال و وظایف او و همینطور آیین‌های پرستش، شبیه معادل یونانی او، دمتر است و این الهه یونانی، در بسیاری از جنبه‌های اساتیری با سرس، مشترک است (پرون، ۱۳۸۱: ۴۷).

هتاریسم<sup>۴۳</sup> که در آغاز گونه‌ای آیین پرستش ایزدان اساتیری بود، در یونان، ارمنستان، آشور، بابل رواج داشت. چنانکه ایشتر که ایزدبانوی عشق و جنگ و ایزد بانوی بامداد و شامگاه بوده و با سیاره ناهید یکی شمرده شده است، در این مقام در پرستشگاه او، روسپی‌گری مقدس بخشی از آیین ایشتر بوده است و هنگامی که او به زمین می‌آمد، روسپی‌ها و هرزگان در رکابش بودند. ایشتر را روسپی ایزدان نیز دانستند. مراسم ویژه این باور اساتیری در ارمنستان در پرستشگاه آناهیت برپا می‌شد؛ اما هیچ اثباتی در این باره وجود ندارد و نویسندگان مسیحی در این باره چیزی ذکر نکرده‌اند، مراسم مربوط به هتاریسم در پرستشگاه‌های ایزدبانوی باروری در ایران پیش از ورود آریاییان است که به جامانده از دوران مادر سالاری در ایران پیش از آریاییان بود (نوری‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۶۷-۲۶۸).

تفکر روسپی‌گری برای آناهیتا شاید بر اثر آمیزش فرهنگ‌ها و باورهای ایرانی، بابلی و یونانی، خدایان این اقوام با یکدیگر تشابه یافته‌اند تا حدی که گروهی آناهیتا را با الهگان یونانی و سامی یکی دانسته و همردید قرار داده‌اند (امینی‌لاری و محمودی، ۱۳۹۵: ۶۲) بنابراین پیرامون ایزد بانوی ایرانی، حافظ آب‌های پاک و روان و ضامن باروری، آئینی آمیخته با هرزگی وجود نداشته و آئین‌های

کهن جامعه ابتدایی زیر سلطه زنان بوده است و (مادرتباری) بازمانده آن دوران یعنی (مادرسالاری) است (آزادگان، ۱۳۷۲: ۲۵). تغییر ساختار جوامع (مادمرکز) پیش از تاریخ اغلب به سبب یورش بیابان‌گردان (پدمرکز) بوده است. این نظام در میان جوامعی که دیرتر پا به دوران تاریخی نهاده‌اند هم قابل مشاهده است، مثلاً در میان بومیان دیری در جنوب شرق استرالیا تا سال ۱۸۶۰م. نیز هر فرد نسب از مادر خویش می‌برد (ناس، ۱۳۸۲: ۲۹) یا در ژاپن تا اواخر قرن ۸م. زنان بر ایالات فرمانروایی می‌کردند و امور سیاسی را در دست داشتند (روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۷۱۲). بار معنایی اصلی (مادمرکز<sup>۴۴</sup>) نه تنها قدرت زنانه، که قدرت زن به عنوان مادر است، قدرت زنانه به سبب جایگاه مادری زن در اجتماع بدوی اعطا می‌شود (Bamberger, 1974: 263).

بسیاری از باورها، جشن‌ها و مراسم دینی در ارتباط با نیازهای اقتصادی بشر شکل گرفته مانند نیاز به محصول و رمه بیشتر برای سیر ماندن و فرزند بیشتر برای یاری در کاشت و حراست از زمین و نیرو بخشیدن به خانواده و قبیله در هنگام جنگ. بخشی از این مناسک در میان تمام تمدن‌های باستانی مشترکند، مانند رقص غله که در هنگام کاشتن بذر با افشاندن خون قربانی حیوانی یا حتی انسانی و دفن جسد او در زمین بایر انجام می‌گیرد یا تقدیم اولین محصول نوبر از میوه یا غله یا فرزند به خدایان، مراسم نمایشی ازدواج خدایان با خدای بانوان حاصلخیزی به وسیله هنر پیشگان انجام می‌گیرد (ناس، ۱۳۸۲: ۱۷).

در اساتیر یونان نخستین الهه باروری «گایا» خدای بانوی بزرگ زمین است که جای خود را به پسر و همسرش اورانوس خدای نرینه آسمان می‌دهد، در نسل بعدی خدایان، رئا همسر کروئوس وظیفه حمایت از باروری و حاصلخیزی را به عهده دارد (روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۷۰). پس از اینکه تیتان‌ها خدایی را به زئوس و خواندانشان وا می‌نهند، هرا ملکه آسمان می‌شود، کوهستانیان قدیمی یونان هرا را می‌پرستیدند و روایات مادرپرستان باستانی درباره او فراوان است، درحالیکه زئوس خدای قبایل مهاجم شمالی (پدرپرست) بود و برای اینکه مکان خود را در کشور مغلوب مستحکم سازد هرا را به عقد ازدواج خود درآورد (ناس، ۱۳۸۲: ۸۱) از میان فرزندان زئوس، آفرودیت، ارتمیس، اتنا و ایلی‌تیا<sup>۴۵</sup> به نوعی با باروری و حاصلخیزی در ارتباطند؛ آفرودیت در فنیقیه و آشور به شکل هرمی که دورادور آن مشعل‌های فروزان قرار داشت ستایش می‌شد و در مصر هم‌ذات با هاتور بود. آیین آفرودیت توسط فنیقیان به یونان آورده شده بود که با لقب اورانیا نماد عشق آرمانی بود (فضائلی، ۱۳۸۳: ۷۱). آفرودیت بیش از هر ایزدی مورد ستایش هنرمندان قرار گرفته و به عنوان الگوی زیبای زنانه الهام بخش جمال‌پرستان و دست‌مایه آفرینش بسیاری از آثار هنری تا امروز بوده است. ارتمیس بانوی وحوش و میرشکار خدایان و

شهرت‌رانی و هوسبازی بوده و هرگز آنگونه که در الهگان یونانی و سامی مرسوم بوده ظاهر نشده‌است؛ دوشیزه‌گانی که در این معابد خدمت می‌کردند تعهد پاکدامنی داشتند.

مربوط به آناهیتا با پاکی، طراوت و برکت آمیخته بوده‌است؛ ایزدبانوی آب‌ها همواره دوشیزه‌ای پاک بوده و به دور از اغواگری،

## نتیجه‌گیری

داده‌است. با مقایسه ایزدبانو آناهیتا در ایران و ارمنستان می‌توان نتیجه گرفت، «نانه» در ارمنستان که ریشه در خدایان سامی داشت تحت تأثیر تفکرات ایرانی، مخصوصاً در دوران هخامنشی که گرایش به «ناهید» در میان شاهان ایران بیشتر شد؛ از یک ایزد سامی تغییر هویت داده و به شکل آناهیتای ایرانی درآمده‌است و کارکرد خدایش بسیار شبیه به ایزد بانوی ایرانی شد.

ادیان در روزگار باستان همواره از ادیان ملل دیگر اثر می‌پذیرفتند و اثر می‌گذاشتند، باورهای آرامنه در دوران باستان بسیار تحت تأثیر همسایه قدرتمند خویش، ایران بوده‌است که این اثرپذیری پس از تغییر دین ارمنیان به مسیحیت آشکار است، چنانکه باور و آیین قدیم با دگردیسی در دین جدید به حیات خویش ادامه

## پی‌نوشت

۱. Gregory the Illuminator

۲. Nane

۳. برسَم یا برسَمَن عبارت از شاخه‌های بریده درختی که هر یک از آنها را در زبان پهلوی تاک و به پارسی تالی گویند. از اوستا برمی‌آید که برسَم باید از جنس رستنی‌ها باشد، مانند انار و گز (درخت) و هوم. شاخه‌ها معمولاً با کاردی به نام برسَم‌چین بریده می‌شود. در فرهنگ‌های پارسی آمده «برسَم شاخه‌های باریک بی‌گره باشد به مقدار یک وجب که آن را از درخت هوم ببرند و آن درختی است شبیه به گز (درخت) و اگر هوم نباشد، درخت گز والا درخت انار که با نیایش و باژ و زمزمه و با وسیله برسَم‌چین می‌برند.» گاهی در مراسم برسَم‌های فلزی از برنج و نقره به جای گیاه به کار می‌برند. هر یک از تالی‌های فلزی به بلندی نه بند انگشت و به قطر یک هشتم بند انگشت است. در اوستا شماره برسَم‌ها از ۳ تا ۳۵ ذکر شده‌است. دور برسَم‌ها را با بندی که از برگ الباف خرما بافته‌اند، می‌بندند، نظیر کشتی و کمر بند زرتشتیان، این بند نیز کشتی نامیده می‌شود. (اوشیدری، ۱۳۷۱: ذیل برسَم)

۴. Anahita sura Aredvi

۵. Banug

۶. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: جوادی، شهره. (۱۳۸۶) اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت- آب، درخت و کوه-. مجله باغ نظر، ۸: ۲۲-۱۲.

۷. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: جوادی، شهره. (۱۳۸۶) اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت- آب، درخت و کوه-. مجله باغ نظر، ۸: ۲۲-۱۲.

۸. Aerdvi

۹. Sura

۱۰. Anahita

۱۱. Anahid

۱۲. Artemis

۱۳. Anaitis

۱۴. Berossos

۱۵. ارجمند. برازنده. دارای فره ایزدی. خداوند ارج.

۱۶. نگاه کنید به باغدارمیان، ۱۳۸۰: ۵۵ و ایوزیان، ۱۳۹۱: ۹۵

۱۷. Nanai

۱۸. Istar

۱۹. Ագաթանգեղոս / Agathange

۲۰. Artaxata

۲۱. Artasat

۲۲. Taron

۲۳. Akilisene

Tiladamprada .۲۴

Yastisat .۲۵

Anzavatzs .۲۶

Smith Black .۲۷

۲۸. ساسونتسی داویت یا داوید ساسونی به زبان ارمنی Սասունիցի Դավիթ به زبان انگلیسی Sassoun of David، یکی از پهلوانان میهنی ارمنستان است که در زمان یورش اعراب ایستادگی زیادی از خود نشان داد. از این حماسه به نام‌های مختلفی یاد کرده‌اند؛ از آنجایی که مکان اصلی داستان استان ساسون، ارمنستان غربی بوده حماسه به نام ساسنا دزرر یا ساسنا دسرر sasna dzrer نیز مشهور شده‌است. (ساسنا) به معنی اهل ساسون و (دزرر - دسرر) به معنی شخص بسیار دلیر و مجنون است. ساسونتسی داویت دارای ارزش‌های والای آرمانی و زیبایی‌شناسانه است. مردم قهرمان سمبولیک خود داویت را با ویژگی‌های عالی و برجسته فوق انسانی پرورده‌اند. میهن‌پرستی سوزان و لغزش‌ناپذیر، انسان‌دوستی، مهرورزی و دل‌بستگی به زحمت‌کشان و ستمدیدگان از هر ملیت و نژاد، خوش‌بینی و امید به پیروزی نیکی و زیبایی و عدالت بر پلیدی و زشتی و ستم، از ویژگی‌های ذاتی این قهرمان ملی افسانه‌ای است. حماسه ملی ساسونتسی داویت که از چهار بخش (ساناسار و باغداسار، مهر بزرگ، داویت، مهر کوچک)، تشکیل یافته به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده و در میان ملت‌های جهان اثری شناخته شده‌است. از آنجایی که در حماسه ملی افسانه‌ای یاد شده جز «داویت» و «مهر» قهرمانان دیگری نیز وجود دارد، آن را «دلیران ساسون» و «شجاعان ساسنا» نیز می‌نامند.

Areg .29

Vardavar .30

۳۱. آستلیک (Astlik) دومین ایزد بانوی ارمنیان پس از آن‌اهیتا است که ایزد عشق، آب و غم و سهولت است که با آفرودیت یونانی مقایسه می‌شود.

۳۲. اساتیرشناسی

Navasard .۳۳

Août .۳۴

Smirnov .۳۵

mountains Gegham .۳۶

Lezk .۳۷

Toynbee Joseph Arnold .۳۸

Matriarchy .۳۹

Eileithyia .۴۰

Ceres .۴۱

Proserpina .۴۲

۴۳. Traditionally ,Hetaira of Greece ancient of historians distinguished have pornai and hetairai .an-  
In prostitute Greek of class other ,pornai to contrast In ,broth- in clients of number large a for sex provided who ,time one any at clients as men few a only had have to thought were hetairai ,street the on or els  
had have to ,time one any at clients as men few a only had have to thought were hetairai ,street the on or els  
well as stimulation intellectual and companionship provided have to and ,them with relationships term-long  
Archaic in Conflict Discursive and ,Politics ,Sex :“Hetaira” the Inventing” .(1997) Leslie ,Kurke .sex as  
108-107 : (1) 16 Antiquity Classical .“Greece



## فهرست منابع

- آزادگان، جمشید. (۱۳۷۲). *ادیان ابتدایی*. تهران: انتشارات میراث ملل.
- آموزگار، ژاله. (۱۳۷۴). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- آورزمانی، فریدون. (۱۳۹۳). *هنر ساسانی*. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی پازینه.
- آیوازیان، ماریا. (۱۳۹۱). *اشتراکات اساطیری و باورها در منابع ایرانی و ارمنی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امینی لاری، لیلا. محودی، خیرالله. (۱۳۸۹). *ناهید مظهر قدس است یا هوس؟ پژوهش های زبان و ادب فارسی*، ۷: ۵۱-۶۴.
- اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۱). *دانشنامه مزدیسنا، واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت*. تهران: نشر مرکز.
- باغداساریان، ادیک. (۱۳۸۰). *تاریخ کلیسای ارمنی*. بی نا.
- بویس، مری. (۱۳۷۵). *تاریخ کیش زردشت*. ترجمه: صنعتی زاده، همایون. تهران: انتشارات توس.
- بویس، مری. (۱۳۸۶). *زردشتیان باورها و آداب دینی آنها*. ترجمه: بهرامی، عسگر. تهران: انتشارات ققنوس.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: نشر چشمه.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۱). *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: انتشارات آگاه.
- پرون، استیوارد. (۱۳۸۱). *اساطیر روم*. ترجمه: فرخی، باجلان. تهران: انتشارات اساطیر.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۴۰). *یشت‌ها*. تهران: انتشارات فروهر.
- توینبی، آرنولد. (۱۳۶۲). *تاریخ تمدن*. ترجمه: آژند، یعقوب. تهران: انتشارات مولوی.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۶). *اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت-آب، درخت و کوه*. باغ نظر، ۸: ۱۲-۲۲.
- جوادی، شهره. آورزمانی، فریدون. (۱۳۸۸). *سنگ‌نگاره‌های ساسانی*. تهران: انتشارات بلخ.
- خدادادیان، اردشیر. (۱۳۷۹). *اشکانیان*. تهران: انتشارات به‌دید.
- دوشن گیمن، ژاک. (۱۳۸۱). *دین ایران باستان*. ترجمه: منجم، رویا. تهران: انتشارات علم.
- روزنبرگ، دونا. (۱۳۷۸). *اساطیر جهان، داستان‌ها و حماسه‌ها*. ترجمه: شریفیان، عبدالحسین. تهران: انتشارات اساطیر.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۴). *تاریخ مردم ایران: ایران قبل از اسلام*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شارپ، نارمن شارپ. (۱۳۸۴). *فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی*. تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی پازینه.
- شهبازی، علیرضا (۱۳۵۷). *راهنمای مصور نقش رستم*. شیراز: بنیاد تحقیقات تخت جمشید.
- عقیفی، رحیم. (۱۳۸۳). *اساطیر و فرهنگ ایران*. تهران: انتشارات توس.
- فضائلی، سودابه. (۱۳۸۳). *فرهنگ غرائب*. تهران: انتشارات میراث فرهنگی.
- قلی‌زاده، خسرو. (۱۳۹۳). *فرهنگ اساطیر ایرانی*. تهران: انتشارات پارسه.
- گریشمن، رمان. (۱۳۴۹). *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه: معین، محمد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مانوکیان، آرداک. (۱۳۶۳). *اعیاد کلیسای ارمنی*. تهران: خلیفه‌گری آرامنه تهران.
- ناس، جانبایر. (۱۳۸۲). *تاریخ جامع ادیان*. ترجمه: حکمت، علی‌اصغر. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نوری‌زاده، احمد. (۱۳۷۶). *تاریخ و فرهنگ ارمنستان از آغاز تا امروز*. تهران: انتشارات چشمه.
- ویدن گرن، گئو. (۱۳۷۷). *دین‌های ایرانی*. ترجمه: فرهنگ، منوچهر. تهران: انتشارات آگاهان ایده.
- همیلتون، ادیت. (۱۳۸۳). *سیری در اساطیر یونان و رم*. ترجمه: شریفیان، عبدالحسین. تهران: انتشارات اساطیر.
- هوویان، آندریک. (۱۳۸۰). *جشن‌ها و اعیاد مشترک ایرانیان و ارمنیان*. تهران: نشر هرمس.
- هینلز، جان. (۱۳۷۵). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه: آموزگار، ژاله و تفضیلی، احمد. تهران: انتشارات چشمه.
- یزدانی، کرامت. (۱۳۹۳). *راهنمای کتیبه‌های ساسانی*. شیراز: نشر تخت جمشید.

- Abrahamyan, A.G. (1979). *Matenagrutcyun*. Translation by širakacci, A. Armenia: Erevan.
- Agathangelos, R.W. (1976). *History of the Armenians*. New York: state university of New York, Albany
- Alishan, (1895). *Ancient fate of the Armenian*. Armenia: Venice.
- Back, M. (1978). *Die Sassanidischen Staatsinschriften*. Netherlands: Acta Iranica. Leiden.
- Bamberger, J. (1974). *The Myth of Matriarchy*. United States: Stamford University press.
- Boyce, M. (1985). Anāhid. *Encyclopaedia Iranica*. London and Boston.
- Ishkol-Kerovpin. (1973). Methodology der Vorchristlichen Armenier. *Worterbuch der Mythologi. Germany*.
- Russell, J. (1987). *Zoroastrianism in Armenia*. Cambridge: Harvard university.